

✱ اصلاح طلبان از ابتدا دریافتند که پس از

نارلمی های دوره مائو، تلاش صدهای برای «آفتی مادن»
نخبگان حاکم چین و توده مردم لازم است.

اصلاحات اقتصادی ادامه می یابد

گفتار اول مقاله «چین: ده سال پس از مائو» در شماره گذشته به نظر نماند رسید. در آنجا نویسنده با مروری بر پیشینه «اصلاحات» در چین برخی از ابعاد سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد و در این قسمت، ضمن ارائه پیش بینی در مورد روند اصلاحات سیاسی (که با توجه به تحولات ماه گذشته و برگساری هویاتونگ با حدودی تأیید می شود) به بررسی ابعاد اقتصادی اصلاحات می پردازد و آنرا مهمترین جنبه رفاه هنگ زیانوتنگ می داند.

مشخصات مأخذ شناختی مقاله و شرح حال نویسنده آن در پایان مقاله آمده است.

داگاه ها و هم چنین کارگران و کلا و عاملین وادرس را بهبود بخشیده و مشغول تعلیم پرسنل وادگسری و آموزش قانون سوسیالیستی» به توده مردم است. یکی از اهداف ایجاد یک چهارچوب موثر قانونی برای روابط اقتصادی قراردادی بوده است. معینا رهبران هم چنین سعی داشته اند بروکرهای کشور را تحت کنترل درآورند و با تضمین بعضی حقوق اولیه از جمله انعطاف حقوق افراد بدون توجه به مولدیت آنها، حمایت عمومی را افزایش دهند. معینا سیستم حقوقی در حال تکوین کونی نیز - همانگونه که قانون بطور سنتی در چین عمل کرده است - تاکید اولیه را بر حفظ دولت و نظم اجتماعی می داند تا حقوق فردی هنوز هم دولت در مورد اختصاصی که از مقررات موضوعه حزب سرپیچی کنند و با نظام سیاسی موجود راه مبارزه طلبند. نیز افراد محکوم به ارتکاب به جرم یا فساد، محازات های سختی را اعمال می کنند دولت یک دستگاه استیجاری وسیع دایر دارد و هنوز هم اردوهای کثر اجباری به کار آمده می دهند. گفتار از آن مردم غایب چین سعی می کند در صورت امکان با فیسنگ، فیسالی سرود کارایی پیدا کند و روی روابط شخصی بین اشراف اهلان برای حفظ منافع

دید اکثر مردم شده است. چین، گذشته نبرد، و هم چنین فضای خارج را برای اولین بار پس از سال ۱۹۴۹ گتف می کند تقریباً تمامی مسائل و مشکلات چین بطور سریع و می برود مردم بحث و مناظره قرار می گیرند. مامان که این گتف میات چند عتائق پنهانی با نظام سیاسی پیدا نکند بحث پرمون راه حل های مختلف و متفاوت آزاد است.

منزلت روستاها را بعنوان یک گروه، به مراتب از سال های دهه ۱۹۵۰ بیشتر است. رهبران فعلی توجه دارند که استعدادهای موجود بطور موثر استفاده شود. اکنون حزب درصد است تعداد بیشتری از روشنفکران را وارد صفوف حزب کند و بسیاری از روشنفکران امروزه پست های مهم در داخل حزب، دولت و با موسسات دیگر برعهده دارند و با به عنوان مشاور ارگانهای پادشه خدمت می کنند. مناسبات سیاسی رژیم با توده مردم غایب چین نیز تغییر شده ای یافته است. از بعضی جهات مخالفت مردم غایب، در حیات سیاسی تقابل یافته است زیرا رژیم کنترل های شدید را تلفیق داده و برنامه های قدیمی بسیج مردمی را رها کرده است ولی از جنبه های دیگر، مشارکت توده ای، بنوی

نمای این دگرگونی ها تاثیر قابل ملاحظه ای بر حرات سیاسی چین داشته اند ولی می قابل استتلال کرد که باره ای از آنها ارتباط زیادی به اصلاحات سیستمیک پیدا نمی کند معذلک نظام شروع به تغییر کرده است و این عتائق قابل پیدایش ایستارهای جدید در باره نحوه رابطه حکومت کنندگان و حکومت شوندگان است.

رهبران اصلاح طلب زیر دست سینگه از نو برانسته که پس از نارلمی های دوره مائو، تلاش شده ای برای واکنش دادن نخبگان حاکم چین و توده مردم لازم است و هم چنین لازم است حمایت مردم از رژیم افزایش یابد. راهبر اساسی که آنها برگزیده حیزات از حرکت آرام سوی ارتش سیاسی و آزاد سازی، با توجه به بیشتر به آرزوهای و منافع گروهی و فردی و محلی بوده است. ایشان - تا حدودی - اجازه تنوع و کثرت عقاید سیاسی را داده اند و گردش بیشتر اطلاعات و افکار را مجاز شمرده اند. پس ها روی مشترکیت سوسیالیستی» تکیه کرده و سعی کرده اند مشارکت توده های مردم را در زندگی سیاسی افزایش دهند. نفوذ دولت بر جامعه به مقدار زیادی تقلیل یافته و سوسومهای رهایی از زندگی، غیر سیاسی فساد، در گذشته بر روی اهداف شخصی و غیر سیاسی و بطور کلی هرگونه نشانه های رفتار نامتناسب انا جناب های حاکم، خطرناک فساد می شود. ولی امروزه یک فرد چینی می تواند «می نرند» (یعنی پرامن می باشد، نازک و استیجاری) نباشد. مافی فرمز پرورش دهد، کتابهای خارجی بخواند و به معابد و کلیساها سرزرد بدون اینکه کسی مزاحم او شود و با حتی مرود اختلاف قرار گیرد.

ایجاد قدرتی یک سیستم فیسالی از اواخر دهه ۱۹۷۰ جزء مناسبات از گرایش غارتی به طرف یک جامعه پس از مرحله انقلاب با ثبات بیشتر و فرآیند و رویه های نوهای شده می باشد. رهبری بسیار فرآیند و مقررات جداگانه را انجام می دهد و در سال تعیین قوانین تنظیم است. وضع



خود حساب می کند با این وجود گرایش به طرف قانونیت، محدودیت های تازه بر حکومت مطلق وارد آورده و در نتیجه رهبران چینی بیش از گذشته احساس برابری در مقابل انتظارات محلی تشویق می نماید. با این حال، نتایج حاصله تاکنون با انتظارات متنطبق نبوده است. بیشتر گزارشها از این حکایت می کند که هنوز هم در اکثر مناطق، کارهای محلی جریان انتخابات را دستکاری می کند ولی فشار از سطوح پایین جامعه بر این کارها افزایش یافته است.

سعی رژیم در تجدید حیات و دگرگونی های مردمی، به این گرایش و سیاسی ای بوجود آمده است که یکی از جوی زمان مائو متفاوت است. چین یک نظام اطلاعاتی خلق آگاه را شاهد بوده است. امروزه، انواع اطلاعات و حقایق از طریق کتب، مطبوعات، رادیو و تلویزیون در سراسر کشور پخش می گردد که موجب وسیع تر شدن افق

مردم‌علایی در چین، سعی می‌کنند در صورت امکان با دستگاه قضایی سروکاری پیدا نکنند و روی روابط شخصی، بیش از ضوابط اداری برای حفظ منافع خود حساب می‌کنند.

منزلت و روشنفکران بعنوان یک گروه، به مراتب از سال‌های دهه ۱۹۵۰ بیشتر است. رهبران فعلی توجه دارند که برای ارتقاء امر نوسازی کشور لازم است از تمامی استعدادهای موجود بطور مؤثر استفاده شود.

کنگره‌ها، که سازمانهای اصلی انتخابی در حکومت چین بوده ولی در گذشته هیچگونه مسئولیتی حتی بصورت ظاهری نداشته و عملاً فاقد قدرت بودند، نقش فزاینده قابل توجهی داده است. این کمیته خصوصاً در مورد کنگره ملی خلق چین صفت می‌کند ولی کنگره‌های سطح پایین‌تر نیز نظیر اینها پیدا کرده‌اند. کنگره ملی خلق کمترین شباهت به موسسات قانون‌گذاری دموکراسیهای غربی ندارد زیرا که نقش آن اساساً مشورتی است ولی نقش جدید آن نشانگر این است که رهبری مایل است سیستم سیاسی را بیشتر دموکراتیک کند.

این روندنا تا چه حد نظام و فرایند سیاسی را در چین تغییر داده‌اند؟ چنانچه این تحولات را از دیدگاه یک دموکراسی غربی مورد قضاوت قرار دهیم، جواب این است که این تغییرات بنیادی نبوده است. در چین هنوز هم سیستم تک حزبی برقرار است (علیرغم وجود چند گروه کوچک که نام حزبی‌های اقلیت بر آنها نهاده شده است). رهبران حزب حاضر به قبول مطبوعات آزاد از احزاب مخالف واقعی و یا یک سیستم انتخاباتی واقعی رقابتی نیستند و از نظر چینی‌ها که سال‌های متمادی تحت یکی از افراطی‌ترین اشکال استبداد حزبی رزومه‌اند، این تغییرات حائز اهمیت است. در مدت ششاد کمرشای حکومت به نفع از استبداد حزبی تغییر یافته است که کمتر سرگرم و بیشتر پلنریته ترویج نظام سیاسی است. آیا روندهای تازه نیروهای را آزاد ساخته‌اند که بدینچین کشور را به سوی دموکراسی بیشتر به مفهوم غربی آن رهنمون بدارند؟

جواب این سؤال، لااقل در کوتاه مدت، منفی است. برای ایجاد سیستمی که مؤثر باشد و از پشتیبانی عمومی وسیع‌تری برخوردار باشد احتمالاً رهبران اصلاح طلب چین حاضرند در امور سیاسی آزادی بیشتری قائل شوند ولی ایشان خواهند یک دموکراسی چند حزبی مستقیم نتند تنگ‌نوک قدرت در چین، اصل رهبری برگزیده‌گان حزب کمونیست، ترس بیشه دار چینی‌ها از هرج و مرجع، به علاوه مشکلات مروری برابری اقتصاد در کشوری به وسعت و پراگندگی چین، همه اینها موجب تقویت تمایل رهبران چین به حکومت استبداد حزبی - هر چند از نوع لیبرالیزه شده آن - می‌شود. احتمالاً رهبران کمونیستی چینی امیدوارند از رشد رقابتی بین ترویج عقاید سیاسی و با برگشت به یک استبداد حزبی سرگرمکننده اجتناب نمایند. اما آینده نشان خواهد داد که در سرازمدت سیستم سیاسی فرحال تحول کمونیستی قابل دوام

خواهد بود یا نه. رهبران رژیم ممکن است در سالهای آینده از جهت منصفانه تحت فشار قرار گیرند. در حالیکه سیاست‌های کنونی بطور واضح مورد حمایت گسترده می‌باشند تغییرات سریع اجتماعی، تشوها و شکاف‌های اجتماعی جدید بوجود آورده‌اند. تقلیل کنترل‌های سیاسی، انضباط اجتماعی را تضعیف کرده است. اکثر کمره‌های رفاه‌ی قدیم چین که مبنی بر روابط شخصی بود با فوت و شدت از نو ظاهر شده‌اند. فساد فزاینده، قوم و خویش‌بازی و نابرابری‌ها، موجب مطرح شدن انتقادات زاینده شده است. غریزه ترس و نفرت از بیگانگی - هر خفا فعالیت است و گفتمند از اینها در چهره‌آرایش سیاسی جدید، به‌ویژه در شکایت‌ها آشکارتر ابراز می‌شود. اگر این



ژائو زیانگ

انتقادها بنحی قابل ملاحظه‌ای افزایش باید ممکن است کنترل‌های سیاسی شدید باید از طرف دیگر ممکن است. فشار متقابل بر روی رهبران کنگره‌ها در چین بیشتر، به مرور زمان زیاد شود. لااقل در گراس (Parliament) و دموکراسی چینی در پی کمرشای اخیر نتواند این فعالیت‌ها حیثیت تفکرگراسی (مشارکتی) باشد. در سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۷۹ بود که عنصر کمرشای داشت، و این فشارها مسلماً در مرحله‌ای باز ظاهر خواهد گردید. نکته اساسی‌تر اینکه به تدریج که حیات اقتصادی و اجتماعی استبدادی در بسیاری از کشورهای فرحال توسعه، که در آنها ترویج و گسترش کمرشای اقتصادی رشد کرده است، به حیات خود ادامه می‌دهد، ولی حتی در این کشورها نیز فشار روز افزونی برای لیبرالیزم سیاسی به مرور زمان به وجود آمده است. با این حال، اگر قرار باشد که در آینده نزدیک در چین تغییر جهت عمده سیاسی رخ دهد، احتمالاً بازگشت به نوعی

کنترل بیشتر سیاسی خواهد بود. خلاصه‌نکته، رفوم سیاسی احتمالاً برای حال حاضر راه خود را پیوندد و به اثر حفظ رسیده است و نظام فعلی استبداد حزبی با شکلی از لیبرالیزم در آینده قابل پیش‌بینی به حیات خود ادامه خواهد داد.



اصلاحات اقتصادی

برنامه اصلاحات نظام اقتصادی، چین را بیش از نظام سیاسی آن تغییر داده است. از آنجا که بکن هنوز در نیمه راه تلاشی برای تغییر اقتصادی چین است، بزرگترین دگرگونی‌ها را باید در آینده نزدیک در این زمینه جست. تلاشی برای اصلاحات اقتصادی در آغاز، به‌ویژه در دهه‌های ۱۹۷۸ به پیش، به هیچ‌ش جدید به سمت نوسازی شدیداً به مشکل برخورد کرد. اقتصاد کشور که بلافاصله پس از این دعوت انشعه و بی ثبات شده بود، مشکلات گفتمند را تشدید کرد و مشکلات تازه‌ای پدید آورد.

پیش از آغاز سال ۱۹۷۹، رژیم تاکنون شد سیاست لطیفی میهمان که بر ثبات اقتصادی تأکید داشت، را اختیار کند معضلاً، جنگ و سایر رهبران اصلاح طلب چین بزرگی این فراموشی در جهت اصلاحات اقتصادی منظم اتخاذ کردند و این امر باعث شد، به مرور زمان سرعت گرفت. اگر واقع را از سال ۱۹۷۹ به بعد مرور کنیم، خواهیم دید که اصلاحات، تسلسل منطقی داشته است. در مرحله اول، از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲، رهبران چین، به‌ویژه در مورد اعتراف تفسیر روابط اقتصادی خارجی چین و اصلاح سیستم کشاورزی کشور گفتند.

در مرحله دوم که از اوایل سال ۱۹۸۲ شروع شده است،

چین تا آخر سال ۱۹۸۵

۵/۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کسب کرد و برای سرمایه‌گذاری‌های بیشتری نیز تعهداتی گرفت. در دورهٔ موضوع حتی بحث پیرامون این موضوع ممنوع (تابو) بود.

چین بیش از سی هزار

محقق و دانشجو به کشورهای سرمایه‌داری گسیل داشته و این عملی است که هیچ کشور کمونیست دیگری تاکنون انجام نداده است.

چین به اصلاح جامع نظام‌های صنایع و بازرگانی شهری خود پرداخته و این امر، هدف عمده قضیتن برنامه هج ساله کشور، که در سال ۱۹۸۵ آغاز بکار کرد، می‌باشد.

تخصیص دگرگونی به‌صفت، اتخاذ سیاست‌های باز بود که موجب گسترده شدن و ترویج زیاد روابط اقتصادی خارجی چین گردیده است. طی برنامه پنجاهام ششم (۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵)، مبادلات خارجی چین متجاوز از دو برابر افزایش یافت و در سال ۱۹۸۵ بالغ بر ۷۰ میلیارد دلار گردید. در اواخر سال ۱۹۸۵ برآوردهای مقدماتی این رقم را ۵۹

میلیارده دلار تخمین می‌زد ولی در ماه بعد اعلام کرد اول دولت رقم ۷۰ میلیارد دلار را اعلام کرد کسری تجاری چین در این سال ۱۵ میلیارد دلار بود.

مباحثه کالاها و خدمات، بعنوان فرصتی از تولید ناخالص داخلی، فوراً برآورد شد و به ۳۰ درصد آن رسید. چین معادیر زیادی تجهیزات و تکنولوژی و همچنین سایر کالاهایی که برای نوسازی لازم بود است را از خارج خریداری کرده است.

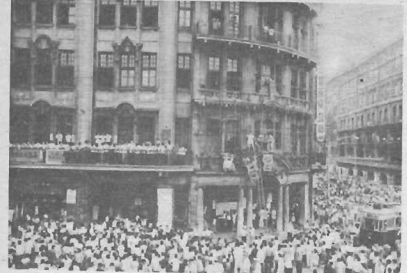
چین برای واردات افزایش یافته، به شدت صادرات خود را ارتقا داد و درآمد ارزی خود را از چهارگونی، برآورده‌های اقوام نیروی کار به سایر کشورها و حتی فروش اسلحه به سرعت افزایش داده است. در خلال دوره ۱۹۸۴-۱۹۸۳ خرید فوق‌العاده اجناس وارداتی موجب کاهش فوق‌العاده موازنه تجاری و تحلیل شدید ذخیره ارزی خارجی گردید و در نتیجه برنامه هفتگی - شانزدهم - از آن رشد تجارت شده است (حدود ۴۰ درصد طی پنج سال آینده) ولی تاکید رژیم بر توسعه واردات و صادرات همچنان شدید است.

سیاست اصلی تجاری یکن هز هم سیاست جابجایی واردات می‌باشد ولی فرآیند ارزی پیچیده در حال بر این است و چین به تدریج به یک سیاست تجاری انبساطی بیشتر بر می‌آید. سیاست پیمان کرده است. در ماه مارس ۱۹۸۶ دوازده زیانگ، نخست وزیر در گزارش خود به کنفرانس ملی خلق چین در پکن، هفتاد و نه برنامه پیشنهادی، قول داده که برای صنایع صادراتی شیونگ‌های جدید در نظر گرفته می‌شود و گفت که چین باید به تقویت صادراتهای تولید کالاهای صادراتی و ساختن کارخانه‌هایی که تولید آنها منطوق صادرات باشد (۱۱) اقدام کند.

هر چه تجارت گسترش یافته است، یکن امر تصمیم گیری را به مقامات محلی و واحدهای اقتصادی واگذار کرده و به آنها اجازه داده است که مستقیماً با فروشندهگان و خریداران خارجی روابط برقرار کنند و مستقیماً از درآمدی ارزی خود را برای مصارف واحد مربوطه، نگه دارند. این کار نیز مانند بسیاری از سیاست‌های دیگر رژیم در زمینه تمرکز زدایی، مشکلاتی را به وجود آورده است. معامدا تمرکز زدایی، اشتکالات قدرت تقابلی چین را در بازارهای جهانی با یزده است.

هر چه سیاست‌های جدید تقابلی چین بکار پیاده شده است، یکن دولت تغییرات دیگری در سیاست اقتصادی خارجی آن برچسب زده است. چین موضوع تغییر ارزی در مورد اسلحه وام و سرمایه گذاری منطبق با سیاست اساسی داده است و در حال حاضر فعالیتها در صنعتی هر دو می‌باشد. این سیاست ۱۹۸۶، چین‌ها به تدریج افزایش صادرات خود را از منابع مختلف از جمله سرمایه‌های مالی انسانی (مانند بانک جهانی)، دول خارجی (خصوصاً ژاپن) و بانکداران بین‌المللی افزایش داده‌اند. تا اواخر سال ۱۹۸۵ چین طبق برنامه رسمی، ۱۰۳ میلیارد دلار وام خارجی گرفته است، (اگر چه رقم اضافی وام به چین از این برنامه است)، به احتمال زیاد قرض‌های خارجی چین طی برنامه پیشنهادی هفتاد و نه، زیادتری خواهد یافت و طبق بعضی برآوردها به حدود ۲۰ میلیارد دلار طی پنج سال آینده می‌رسد.

تکلیف گامال موسسات اقتصادی خارجی در چین را نیز



بنا بر گفته است. این کشور چهار مسئله اقتصادی ویژه ایجاد کرده و حقوق خاصی به شهروندان، مناطق و ایالتات متعهد دیگر، برای معامله با سرمایه گذاران و بازرگانان خارجی، اعطا نموده است. طبق گفته واتر زیانگ تا آخر سال ۱۹۸۵، چین ۵/۳ میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی کسب کرد و برای سرمایه گذاری‌های بیشتری نیز تمهیداتی گرفته است. ابرار اظهار یک منبع چینی جمع کل سرمایه گذاری خارجی چنبد شده به پنج سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۵ بالغ بر ۱۶ میلیارد دلار بوده است.

نوعه انواع جدید روابط اقتصادی خارجی، نه برای چینی‌ها و نه برای بازرگانان خارجی، این فرصتی ایجاد کرده است. چینی‌ها به تدریج به یک سیاست سازمان‌های اقتصادی مهم بین‌المللی یک شرکت شده است و با بسیاری دولت‌های خارجی قراردادهای علمی و اقتصادی منعقد نموده است. موسسات آموزشی و علمی چین پرتعدادی گسترده‌ای با مؤسسات مشابه خود در خارج ایجاد کرده‌اند و از همه بیشتر آنکه چین بیش از سی هزار محقق و دانشجو (اکتفا در رشته‌های علمی و فنی) به کشورهای سرمایه‌داری گسیل داده و این علمی شده است. جمع کشور کمونیست دیگری تاکنون ایجاد ندهد است. این تحولات، بیش از هر زمان دیگر، چین را عمیقاً با اقتصاد جهانی پیوند داده و اگرهای جدید وابستگی ایجاد کرده است. عده زیادی از چینی‌ها که هنوز به ایده‌آل خود اشتغالی پاینده هستند نسبت به گرایش‌های اخیر در حال تبدیل به مهاجران اقتصادی شده‌اند و با اینکه از نفوذ و پررشدی‌ها، اشتکالات تقابلی می‌کنند. متعلک بنظر می‌رسد که تکنیک و سایر رهبران اصلاح طلب معتمد هستند. سیاست‌های بازار تبدیل به مشاغل درآمد مدت کشور کنند. احتمالاً درها سه نخواستند. دست مگر که برنامه اصلاحات تماماً با شکست مواجه شود و رهبران آینده مجبور شوند که یک استراتژی توسعه به کلی منظور را مدنظر قرار دهند. بخش دیگری به پلامنت‌ها پس از به قدرت رسیدن تنگ، معرکه‌ها و سایر طرح‌ها شروع شد. کشوروری است. اولین کلمه ایرانی به حرکت ناآشناختن اقتصاد کشاورزی، تصمیم به افزایش قیمت بسیاری از فراورده‌های کشاورزی در دوره ۱۹۸۶-۱۹۸۷ بود.

مقارن همین ایام، اصلاح‌طلبان آزماشایی‌های جدیدی را در زمینه سازماندهی کشاورزی به اجرا درآوردند. به این منظور چند نوع نظام بهره‌داری (بهره‌داری اجتنم عنوان نظام‌های واگاری مسئولیت) مورد آزمایش قرار گرفت و برنامه‌های دیگری تصمیم گرفت که سیستم قراردادی را در سطح ملی برنامه بهره‌داری‌های خانوادگی ترویج کند. نتیجه این عمل، از میان رفتن کشاورزی اشتراکی و برگشت به مزرعه‌داری خانوادگی بوده است.

رژیم چین، مورد حمایت کشاورزی (انتخاب برچسب ماتو در سال ۱۹۵۸)، را ۱۷۷۷ به عنوان واحد کنترل کننده تولید

اگر قرآن باشد که در آینده نزدیک در چین تغییر جهت عده ساسی رخ دهد احتمالاً این تغییر جهت، بازگشت به نوعی کنترل بیشتر سیاسی خواهد بود.

رقم سیاسی برای حال حاضر راه خود را پیموده و به آخر خط رسیده است و نظام استبداد حزبی یا فیکلی از لیبرالیسم به حیات خود ادامه خواهد داد.



هدف خاص اقتصادی خود را ایجاد نماید. اقتصاد کلاسیک سوسیالیستی (Socialist Commodity economy) توصیف می کند که از آن می شود به نوعی سوسیالیسم مبتنی بر بازار (Market socialism) چینی تغییر کرد. هر چند که خود چینی ها این واژه را به کار نمی برند این امر نشانگر نگرانی از جهت ایجاد یک اقتصاد مستقل است که در آن بازار نقش بزرگتری ایفا می کند و از بخش برنامه ریزی دولتی بسیار کاسته می شود.

در سال ۱۹۸۲، شانزده نهاد مهم صنعتی که برنامه ریزی در مورد آن بطور مستقیم و متمرکز انجام می شد، از ۱۲۰ به ۶۰ کم شدند. به تصفیه تقابل یافت و طرح های جاری کاهش بار هم بستری را بیش بینی کرده است. یک هم اکنون ادعا می کند که تا پایان برنامه جاری کنترل متمرکز، محدود به چند کالای حیاتی خواهد بود. حرکت مستری بر طرف برنامه ریزی ارتزادی به جای برنامه ریزی اجباری - یعنی کنترل مستقیم به طرف تنظیم یک مستقیم واختاری امروز - در حال انجام است. این بیان معنی است که یک قصد دارد بیشتر بر سیاست است تا اهداف مالیات اعتبار، نرخ های بهره، نرخ معاملات ارزی و سیاست های کلی بودجه های مالی، برای هدایت توسعه کشور تاکید کند. بر سیاست سهیم بندی های مستقیم و نظارتی، از این تریپ دولت در حمایت اقتصاد بطور فزاینده ای به ابزارهای تنظیم تکنولوژی منسول می شود.

راتر از دیگر، در گزارش ماه مارس ۱۹۸۶ خود - هدف اصلی را زنگ کرد؛ تقویت بخش واحدهای اقتصادی مستقل، تلاش بیشتر در زمینه گسترش یک بازار کلاسیک سوسیالیستی، و برقراری یک نظام مدیریت سوسیالیستی اقتصاد کلاسیک. بنابر این یکی از هدف های بنیادین برنامه اصلاحات رژیم، ادامه انتقال تصمیم گیری اقتصادی به واحد های اقتصادی مقدر می باشد. باقیمانده تعجب نیست که پروتکرات های تئوریک شده ای متعلق به آنچه که راتر آن را «بخش های اقتصادی سوسیالیستی» گفته می نامد، با این تریک زحمتی قدرت مخالفت کرده اند. معنی این رویه بیشتر می باشد. «میوسالاری مرکزی - تنها محور شده است که کنترل مستقیم بسیاری از واحدها را برمی گرداند، در حالی که بخش های در زمینه سرمایه گذاری ها هم کنترل سابق را ندارند. هم اکنون بیش از نیمی از کل سرمایه گذاری ها در چین، در خارج از جابجود برنامه ریزی مرکزی و بودجه دولتی قرار داده شده است. این حقیقت مشکلات جدی به وجود آورده است. در نتیجه سهمی کرده است کنترل بیشتر بر روی سرمایه گذاری ها برقرار کند. ولی در ابتکار چندان توفیقی نیافته است.

برای افزایش اختیارات و قدرت تصمیم گیری واحد های اقتصادی مستقل، اقداماتی چندی به عمل آمده است، در گذشته این واحد ها به عنوان

واحدهای فرعی و بسته به وزارت های مرکزی و ارگان های مشابه در سطح پایین تر، عمل می کردند ولی اینک هدف این است که استقلال بیشتری به آنها داده شود. در اوایل دهه ۱۹۸۰ در این زمینه اقداماتی شروع گردید. از اولین اقدامات در این زمینه، برقراری سیستم اشتراک سود بود. در حدود سه سدهای که موسسات تولیدی اشتراک می توانستند برای سرمایه گذاری مجدد و پرداخت حقوق و مزد و پاداش و مقاصد دیگر نگهداری شود. بتدریج مقررات افزایش داده شد ولی از سال ۱۹۸۴ یک سیستم کلاسیک افزایش بر سر بود. سیستم اشتراک منابع بر قرار شده است. هدف از اصلاح موسسات اقتصادی، ایجاد کفایت فروری بر برای افزایش بازدهی بوده است تا از این طریق این قبیل موسسات در قبال سود و زیان خود پاسخگو باشند. با این حال، مزایای باقی، اصلاحات تحقق نمی پذیرد مگر ابتدا بسیاری از اصلاحات دیگر از جمله اقدامات رژیم در زمینه اصلاح جامع نظام لیست ها به نتیجه مطلوب رسیده باشد. معادلات کلان می رسد که اصلاحات در جهت تزویج شدن، اشتباه گردند. فقط نظر رژیم، باید تقویت طلب واحدهای اقتصادی باید تا سال ۱۹۹۰، متعصم آسترل شود و زیان خود باشند.

کشورهای انجام می شد نیز کاهش یافته است. بنابراین میان گروه ها، خانواده ها و مناطق مختلف - که در هر مرحله به علت تبلیغات دامنه دار و باره، چند خانواده روستایی تازه متحول شده، در سطح وسیع مطرح شد - موجب نگرانی گردیده است. اصلاحات، نتایج نامطلوبی بر سیاست کنترل موالید رژیم داشته است، زیرا روستاییان هم اکنون با داشتن نیروی کار بیشتر، از مزایای بیشتری بهره مند می شوند و در نتیجه خواهان فرزندان بیشتر، خصوصا فرزندان پس، می باشند. اصلاحات همچنین منجر به داغ سوسیالیستی زبانی، برای پاتین نگه داشتن لیست مواد غذایی در مناطق مشکلات فوق در صدد حل مشکلات برنامه ریزان

* رهبران چین
هدف غائی اقتصادی خود
را ایجاد نوعی «اقتصاد
کلاسیک سوسیالیستی»
اعلام می کنند.

چین برای دوره آینده قرار دارند و حل آنها نشان نخواهد بود ولی احتمالاً غیر قابل کنترل هم نیستند و لازمی در دست است که متمرکز کشاورزی بین باقی دولت آباد پیدا خواهد کرد اگر چه نرخ های رشد فوق العاده سال های اخیر را نمی توان خط قرمز ولی محصول کشاورزی احتمالاً به رشد خود به حد معیار که احتمالات کشور رقم شود ادامه خواهد داد. برنامه ریزی یک نواختان رشد متوسط ۲ درصد در سال برای کشاورزی، بلی برنامه هفتم می باشد که حدود نصف میزان رشد در پنج سال گذشته است، ولی خود هم در نرخ رشد بخش کشاورزی چین در مدت طولانی قبل از برنامه ششم بالاتر است. در آینده تزویج احتمال حصول اساسی سیاست های اخیر باید به نظر می رسد از روستاییان، متعلق زبانی در سطح موجود دارند و موفقت اصلاحات کشاورزی، تاثیر زبانی بر (موفقت) برنامه های وسیع رژیم برای آمیزش سرمایه های سوسیالیست، دامنه و توسعه را برای اجرای اصلاحات شهری آماده کرده است.

در سال های اول دهه ۱۹۸۰، اصلاحات اقتصاد صنعتی و تجاری بطور آزمایشی آغاز گردید ولی تا سال ۱۹۸۲ اکثر اقدامات محدود و موقت بود. فقط پس از آنکه تصمیم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین برای اصلاح ساختار اقتصادی اتخاذ گردید رژیم برنامه جاه طلبانه اصلاح اقتصاد شهری را شروع کرد که هنوز هم ادامه دارد.

کشورزی به رچیده است. بعضی از صنایع مزاحم اشتراکی و تهیه های ساکن در آن به اداره منابع طبقه اولده می دهند و در مناطق متعدد دیگری هم گروه های تولیدی آنها هنوز کارهای برعهده دارند. در لحاظ رسمی مالکیت اراضی کشاورزی به صورت گروهی است، اما متمرکزیت کارهای کشاورزی غیر متمرکز شده و به خانوارهای مفرد واگذار شده است. امروزه استفاده هدفدار از زمین لاقال برای ۱۵ سال تضمین می شود و آنها اختیار زبانی در مورد این بخش چه بکارند دارند. بخش زمین های خود را مستقل اداره می کند و پس از پرداخت مالیات و انواع عوارض دیگر آزادانه مدتی سهم های از حاصل خود را به خود بخواند مصرف کند. با بازار آزاد معامله کنند و با دولت بفرشند تا مدتی سهم های از حاصل خود را برای عوارض محصولات کشاورزی به دولت تضمین می شود. ولی در سال ۱۹۸۵ این روش رها شد. در حال حاضر دولت با خانوارها برای خرید محصولات خاصی قرارداد چگانه نموده می نماید. در مجموع، هر چه رژیم هنوز هم کنترل قابل ملاحظه ای بر کشاورزی دارد ولی از مداخله مستقیم دولت در این امور به کمتر زبانی تصمیم شده است.

رشد اقتصاد روستایی تنها معطل نیست حاصله در سازمان تولید کشاورزی بوده است. سیاست سرمایه های که رژیم برای فرآورده های کشاورزی اتخاذ می کند نیز، محرک عمده ای بوده است.

نهاد های کشاورزی، از جمله انواع کود افزایش یافته و همچنین تنوع محصولات نیز به سرعت عملی شده است. بسیاری از خانواده ها که امروز چینی ها را نایب و عاقل و نامرغی «تخصص» می نامند از کشاورزی به صنایع محلی، کارهای چینی و یا کارهای مربوط به ترابری و خدمات و سایر امور غیر کشاورزی روی آورده اند. صنایع روستایی با سرعت غیرقابل تصور رشد یافته است و اصلاح سردی کار روستایی به اشتغال غیر کشاورزی به سرعت افزایش می یابد.

آثار این روندها بر تولید کشاورزی و به طور کلی بر اقتصاد روستایی فوق العاده بوده است و این امری است که در چین و شاید در کله کشورهای در حال توسعه، می یابیم. است. در اوایل دهه ۱۹۸۰، نرخ افزایش بازده نیروی کار کشاورزی در مقایسه با ربع قرن پیش از آن چهار برابر و میزان بازده زمین های کشاورزی بیش از دو برابر شده است. محصول کل کشاورزی ملی برنامه پنجاه شش، ساله بیش از ۸۰ درصد افزایش داشت که بیش از دو برابر نرخ رشد در دوره طولانی ۱۹۸۰-۱۹۵۳ می باشد. متوسط افزایش درآمد سالانه سرمایه روستاییان نیز در طی مدت برنامه ششم ۱۳۷ درصد بود.

هر چه با پیشرفت و موفقت ها، مشکلاتی هم پدیدار شده است. توسعه تأسیسات زیربنایی به علت سرمایه گذاری دولت، با مداخله در هدفدار، در حال توسعه و سیستم برنامه ریزی روستایی هنوز نامرغی است. فعالیت های خدماتی مربوط به روستاها و نیز آموزش و پرورش، رفاه اجتماعی و سایر خدماتی که قبلاً توسط

اگرچه ممکن است این هدف تا تاریخ مزبور تحقق نیابد، اما چنانچه برنامه کلی اصلاحات طبق برنامه پیش برود واحدهای اقتصادی غیر دولتی جنبه به تدریج و به گونه‌ای مؤثر مستقل خواهند شد.

تلاش برای توسعه بازاریها و تجاری کردن اقتصاد که دومین اولویت در فهرست اولویتهای گزارش زاتو زیانگ است - جنبه مهم و حساس دیگری در برنامه کلی رژیم است و به نظر آن به مراتب پیش از آنچه ناظران تا چند سال پیش تصور می کردند بوده است. اصلاح طلبان بین متعهد هستند که نظامی ایجاد کنند که در آن نقش سیستم تخصیص منابع و توزیع دولت شدت کاهش یابد و اکثر کالاها و محصولات از طریق کاتالوهای مختلف با توجه به مقررات دولتی برپایه نداشت کنترل مستقیم دولت و قیمت‌ها نیز هر چه بیشتر بر اساس قانون عرضه و تقاضا مشخص گردد.

در سالهای اخیر، انواع گوناگونی از بازارها گسترش یافته‌اند. رژیم با گام‌هایی در زمینه آزادسازی و بزرگ کردن ایجاد بازاریهای آزاد سنتی کوچک مناسب، در سطح محلی، رشد انواع جدید بازارها را تشویق کرده است. بازارهای عمده فروشی که بعضاً با کالاهای تولید کنندگان سرو کار دارند، مجدداً ظاهر شده‌اند. انجام معاملات بین مؤسسات اقتصادی و بین مناطق هر چه بیشتر

اقدام از مایشی است که در زمینه صدور سهام انجام گرفته است. چند موسسه اقتصادی برگزیده به کارمندان خود و به سازمانهای دیگر سهام فروخته‌اند و اگر چه در حال حاضر این سهام قابل انتقال به افراد نمی‌باشد ولی جنبی‌ها دارند ایجاد بازار بورس رسمی معامله سهام را بطور جدی بررسی می‌کنند.

هنوز در چین یک بازار واقعی نیروی کار وجود ندارد ولی اقداماتی در دست اجراست تا سیستم‌های موجود کار و مزد اصلاح گردد و افزایش تحرک نیروی کار تشویق شود. در اوایل جریان اصلاحات، یکن برای افزایش انگیزه کارگران مرزها را افزایش داد و پاداشهایی را برقرار کرد. اینکه مؤسسات اقتصادی حق دارند کارمندان خود را استخدام و با در صورت لزوم اخراج کنند، هر چند که تعداد اندکی از مدیران امادگی لازم را در مورد جریانی‌ها حتی پس کفایت‌های کارمندان خود دارند، در حال حاضر رژیم قصد دارد به گام سیستم «عشت رده‌ای» پرداخت مزد، که کارگران شهری تحت پوشش آن هستند، خاتمه داده و عملاً مؤسسات اقتصادی را تشویق کند تا مزد را بیشتر به عملکرد ربط دهند. تا آن زمان تحرک نیروی کار افزایش جری و دائمی است، ولی گرایش تدریجی در این جهت مشهود است.

رژیم همچنین بصران جزئی از برنامه کلی اصلاحی‌اش سعی دارد خامدانه الگوری مالکیت را متنوع سازد. دولت هنوز

لیست‌ها در اکثر موارد، حرکت اقتصاد نوساناتی ایجاد می‌کند و متفکر ریسک اشکار ایجاد تورم است که نه تنها تأثیرات مثبت کثیف کننده اقتصادی دارد، بلکه ممکن است موجب نارضایتی‌های اجتنابی گردد ولی رهبران چین تشخیص می‌دهند که با اصلاح سیستم قیمت گذاری، کنترل قیمت‌ها، کلیه استقرار و پیشرو نظام سوسیالیسم مبتنی بر بازار (۱۹۸۳) است

چین بتدریج بظرف بیکار گیری یک نظام چند رده‌ای قیمت‌ها پیش می‌رود که در حسب آن دولت کفایت‌ها - اما بسیار کمتر از گذشته - قیمت‌ها را تعیین می‌کند. پاره‌ای از قیمت‌ها بر حسب مذاکره بین خریداران و فروشندگان تعیین خواهد شد. بعضی قیمت‌ها در دامنه حداقل و حداکثری که توسط مؤسسات قیمت‌ها تعیین می‌شود شناور خواهد ماند.

ولی در مواردی - که تعداد آن در حال افزایش است - قیمت‌ها بوسیله نیروهای عرضه و تقاضا در بازارهای یک بطور نسبی آزاد است. تعیین می‌شود پس از آنکه در اواخر سال ۱۹۸۲ و اوایل سال ۱۹۸۵ فشارهای تورمی به ناگهان افزایش یافته، این روند کند شد. مقامات چینی گفته‌اند که در سال ۱۹۸۶ تغییر عمده‌ای در سیستم قیمت‌ها نخواهد شد و بنابه اظهار ایشیان باید تا حدی بر تعیین نظم قیمت‌های برنامه ریزی شده تأکید شود. علیرغم کشند



✳️ طرف دو دهه آینده، چین که اینک یک کشور کم درآمد است تبدیل به یک کشور با درآمد متوسط خواهد شد.

✳️ ناظران بدبین مدعی هستند که نظام اقتصادی که سعی دارد صور ناسازگار اقتصاد متمرکز و نظام بازار را درهم آمیزد قابل دوام نیست.

افنگ تغییر قیمت‌ها از سوی مقامات رسمی، چیزی که می‌توان آنرا اصلاح خزانه قیمت‌ها نامید در چارچوب یک سیستم مبتنی بر دامنه بافته و قیمت‌هایی که بر اساس مذاکره تعیین شده و همچنین قیمت‌های آزاد با توجه به وضع بازار تعیین شده‌اند.

به علت نگرانی رهبری در از دست دادن کنترل و دامن زدن به تورم، پیشرفت در جهت یک سیستم قیمت گذاری جدید، احتمالاً حالت تدریجی خواهد داشت. از اواخر دهه ۱۹۷۰ (بلافاصله پس از سال ۱۹۷۸ و مجدداً در سال ۱۹۸۲-۸۵) اقدامات عمده در جهت تیز کردن زوایای موجب از دست دادن موثرت، ولی خطرناک، کنترل در سطح اقتصاد کلان کردید. در آخرین مورد، این امر تورم افزایش سرمایه گذاری محلی، افزایش‌های بیش از حد جیمپر پول و اختیارات، افزایش زایدستندها و مزایا، ترخ ریشیشی از حد سریع صنعتی (۳۳ درصد در نیمه اول ۱۹۸۵، بیش از حد مدت مشابه سال قبل)، فشارهای شدید تورمی و پاداش دادن ناگهانی ذخیره ارزی (حدوداً از ۱۷ میلیارد به ۱۱ میلیارد دلار) گروهی بر حسب امار رسمی در سال ۱۹۸۵، رخ کلی تورم اندکی کمتر از ۷ درصد بود. شفافیت قیمت‌های خود

مالک کلیه واحدهای صنعتی و تجاری شهری بزرگ می‌باشد و این مؤسسات در اقتصاد کشور تسلط دارند. همچنان با تشویق عملی دولت، در سالهای اخیر رشد سریعی در واحدهای اقتصادی شهری تحت مالکیت گروهی بوجود آمده است. (اینها در حقیقت منابع و مؤسسات بزرگتری کوچک با متوسطه مقیاس هستند که در مالکیت جمعی هستند، نه در مالکیت دولت یا افراد) و این رشد به مقیاس کمتر در مؤسسات اقتصادی کوچک خصوصی نیز مشاهده می‌شود. در سال ۱۹۸۵، در حالی که صنایع دولتی ۶۳ درصد از مجموع تولید صنعتی را برعهده داشتند، سهم صنایع شهری دارای مالکیت جمعی، به ۲۵ درصد افزایش یافته و هر چند بازار کثانی خصوصی خنثار یک درصد تولید صنعتی را برعهده دارند اما یک هم کل میلات خود، فروش را انجام می‌دهند و در ارائه خدمات مختلف در شهرهای چین نقش مهمی ایفا می‌کنند.

مهمترین و در عین حال مشکل‌ترین جنبه ساختار دولت برای تغییر سیستم، اقدام در زمینه اصلاح سیستم‌های تولید مؤثر قیمت‌ها، یکی از پیش شرط‌های موفقیت اکثر اقدامات دیگر رژیم در زمینه اصلاح واحدهای اقتصادی و توسعه بازار محسوب می‌شود. رهبری چین به دلائل موجهی در این راه با احتیاط زیاد قدم برداشته است، زیرا که تغییر

از طریق مذاکرات مستقیم صورت میگیرد تا از طریق کاتالوهای بازرگانی دولتی و بتدریج بازاریهای منطقه‌ای و ملی در حال توسعه است.

امار قابل اعتمادی در مورد پیشرفت ایجاد فرایند گسترش بازارها در دست نیست. حتی متخصصان امور در چین نیز احتمالاً درست نمی‌دانند در این زمینه دقیقاً چه می‌گذرد ولی بعضی اقتصاد دانان چینی بطور خصوصی بر آورد می‌کنند که هر اکنون یک سوم تا نیمی از کلیه نقل و اتصالات کالاها در داخل کشور، خارج از سیستم اختصاصی سه‌ماهه دولتی و شبکه رسمی تجاری است می‌شود.

گشودن بازاریهای سرمایه‌برنامه‌های رژیم هم چنین در پی وفادارسات سیستماتیکی برای گشودن بازاریهای سرمایه و تکنولوژی و ارتقا، هر چند متعین ندره کرده است. تاکنون در این زمینه اقدامات اندکی انجام شده ولی روند کلی قابل ملاحظه است.

مگر دولت اصلاحات سرمایه‌ای و هزینه‌های جاری و واحدهای اقتصادی اختصاصی، نسوجت این کسب مؤسسات باید چنین وجهی را از پانگنای دولتی وام بگیرند (هر چند که نرخ بهره بطور محدودی پایین است)، فریبسته‌ترین

فرضی ۸/۸ درصد افزایش داشت اولی احتمالاً مقدار واقعی بیش از این بود و در بعضی شهرهای غربی مدت کوتاهی در مورد بسیاری از کالاهای ضروری مصرفی از ۲۰ درصد هم زیاده تر بوده است. دولت تا اواسط سال فشار خود را زیاد کرد و تا آخر سال موفق شد وضع را در حد مطلوبی کنترل نماید. در اولی بعضی آثار این وضع همچنان باقی است. نوسانات بی‌رویه‌ای از این سمت، موجب ناآرامی و عدم رضایت مردم گردیده است. هم‌چنین بعضی نواقص موضوع آن درجه‌بندی مالی و سایر امرهای اصلاحاتی کمتر و آهسته‌تر موافق هستند بنابراین رهبران اصلاحات مصمم هستند در آینده از چنین نوساناتی اجتناب کنند و در ترمیم هر امر جدید مالی و سایر امرهای اقتصادی خود را بهبود می‌بخشند قدرت آن برای جلوگیری از چنان قلت و خیزهای افزایشی خواهد داشت.



نتایج کمی کلیه درگرونی‌هایی که طی ده سال پس از مابریه آمده چه بوده است؟ بطور کلی این نوسانات چالب توجه بوده‌اند. کشاورزی رشد فوق‌العاده یافته و بخش صنایع (از جمله صنایع روستایی) نیز برنامه پنج ساله بطور متوسط از رشد ۱۲ درصد برخوردار بوده است.

اگر چه این میزان رشد در مقایسه با کشاورزی چندی پیش کمی کم‌تر است، مهربانی از نرخ رشد صنعتی چین در دوره طولانی گذشته، بیشتر است. به دلیل عملکرد استثنائی کشاورزی، رشد تولید ناخالص ملی چین طی برنامه ششم سالانه بطور متوسط ده درصد بوده است که حدود دو برابر رشد دوره دراز مدت ۱۹۵۰ به بعد بوده است.

تربخشی به این زبانی، نه دلیل قابل اعتدال است. طرخ، زیرا عدم تعادل و تنش‌هایی در سیستم بودجه می‌آورد. بنابر این در برنامه هفتم برای تولید صنعتی و هم برای تولید ناخالص ملی رشد متوسط ۷/۵ درصد پیش‌بینی شده است. ولی امکان افزایش این رقم زیاد است. کشور چین به یک رشد ثابت و مستمر در حدود ۷ درصد در سال در تولید ناخالص ملی خود به مدت بیش از بیست سال احتیاج دارد تا آنکه بتواند به چهار برابر کردن ارزش محصول ملی کشاورزی و صنعتی خود تا سال ۲۰۰۰ میلادی نایل آید (در مقایسه با سال ۱۹۸۰) و هم چنین به رشدی در حدود ۵ درصد درآمد ناخالص ملی نیز نیاز دارد تا بتواند درآمد سرانه ملی را از ۳۰۰ دلار به حدود ۸۰۰ دلار ارتقاء دهد و این اهدافی است که رهبران چین در آغاز تلاش جاری برای نوسازی تعیین کرده‌اند.

مکتب است که چین‌ها به این اهداف کاملاً دست یابی پندارند ولی می‌توانند به آن نزدیک شوند. کمی گزارش بانک جهانی در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۶) با نظر کلی خوش‌بینانه‌ای به چشم انداز رشد تدریجی و باین نتیجه رسیده است که ظاهراً به دهه آینده چین که اینک یک کشور کم درآمد است تبدیل به یک کشور با درآمد متوسط خواهد شد (۳). مشکلاتی که رهبران چین با این امر مواجه هستند هنوز حل نشده است ولی اصلاح طلبان با این مشکلات بطور واقع‌بینانه برخورد می‌کنند. لذا رشد اصلاحی پارخ زبانی خواهد داشت. یافته‌ی چین در دوره ۱۹۵۰ با اثرش دهه ۱۹۷۰ که اقتضایات عمده در سیاست‌ها باعث عقب‌نشینی‌های عمده‌ای گردید - علیه رفاه و خیزهای شدید - نرخ رشد دراز مدت، ۵ تا ۶ درصد بود.

اما آیا اصلاحات فعلی در ایجاد یک نوع سیستم اقتصاد سوسیالیستی جدید موفق خواهد شد؟ در هر مرحله از فرایند اصلاحات، نه تنها در چین و برابری آن مقادیرهایی بعمل آمده است، بلکه هم در داخل و هم در خارج از چین در نسبت به عملی بودن اقتضای اقتصادی از نوعی که چین به حال انجام است، شک و تردید وجود داشته است. افراد شکاک و بدبین طرفدار اصلاحات کم‌دلمندتر و آرزو تر بوده‌اند. افراد بدبینی که در خارج از چین هستند نیز در حالیکه به اصلاحات با بطور کلی تأیید می‌کنند، با آوردن مثال‌هایی از کشورهای بلوک شرقی و مدعی هستند

که نظام اقتصادی که سعی دارد سازگار کند صنعتگر و نظام بازار و در هم آمیزه قابل دوام بسازد و نتیجه اقدامات اصلاحی در چین نیز مانند کشورهای دیگر، اصلاً به شکست خواهد انجامید. با این حال به دلایل زیادی می‌توان معتقد بود که بدبینان اشتباه می‌کنند. رهبران چین به اصلاحاتی که بطول نخست وزیر ژائو به مدافع ساختارهای کهن و ایجاد ساختارهای جدید متمرکز می‌شود، متعهد هستند و به احتیاج زیاد نسیل آینده نیز می‌تواند را خواهد داشت.

* پس از آزمایش‌های اولیه در زمینه کشاورزی، رژیم چین تصمیم گرفت یک سیستم قراردادی را در سطح ملی بر پایه بهره‌برداری‌های خانوادگی ترویج کند.

بدین مشکلات و عدم موفقیت‌های رخ خواهد داد اما اینها باعث نمی‌شود که رهبران چین در راه فعلی خود منحرف شوند. مگر آنکه یک محسبیت بزرگ اقتصادی در این کشور بوقوع بپیوندد و چین در آینده نزدیک غیر محتمل می‌نماید. در حقیقت ممکن است فشار برای اصلاحات سریع‌تر، بیشتر افزایش یابد. بسیاری از اصلاحگران چینی - خصوصاً جوان‌ترها - دریافته‌اند که مزایای کامل اصلاحات تحقق نخواهد یافت مگر آنکه اقدامات بیشتری انجام گیرد.

آیا دردم امیختن برنامه ریزی، نوسانات بودجه و مقررات و نیز راه‌های یزای که امروزه چینی‌ها می‌در تحقق آن دارند، قابل دوام خواهد بود؟ اقتصاد اغلب کشورهای درحال توسعه غیر کمونیست به دست‌ها و درجات مختلف، برنامه‌ریزی دولتی را با واقع‌مقررات و انکار بازار مردم می‌آمزد. دلیلی در دست نیست که چینی‌ها نتوانند آموزه‌ی خاص خود را ایجاد کنند. گروه‌های جدید از اقتصادچین می‌توانند بااینکه بسیارند حتی اگر ناکیزه نباشد برای مدتی

* هم اکنون یک سوم تا نیمی از کلیه نقل و انتقالات کالاها در داخل چین، خارج از سیستم تشهیه‌بندی دولتی و شبکه رسمی تجاری انجام می‌شود.

طولانی با فشارهای متضاد در جهت کنترل و مقررات کمتر و با زیاده‌تر شدن و تنجه نرم کند بطور خلاصه اصلاحات گران بین ممکن است قادر باشند شکل جدیدی از سوسیالیسم مبتنی بر بازار را خلق کنند.

اگر چینی‌ها در تحکیم شکلی لبرآزمه شده از استبداد سیاسی و ایجاد یک اقتصاد سوسیالیستی صنعتی، موفق شوند این امر در واقع دومین دیکتاتوری عشق و دامنه دار سوسیالیستی سیاسی و اقتصادی کشور بعد از سال ۱۹۴۹ خواهد بود (اولین دیکتاتوری، ایجاد حکومت استبداد حزبی و اقتصاد متمرکز توسط مائو در دهه ۱۹۵۰ بود) و در چنین امری ممکن است یک موفقیت تاریخی از نوع خود در کل دنیا کمونیست باشد قابل تصور است که چین هر چه بیشتر شبیه به بعضی از همسایگان خود در آسیای شرقی بشود و از

سایر کشورهای کمونیست بجز روسیه ای، متفاوت باشد. آیا برای بلیه دنیا موفقیت برنامدهای چین مهم است؟ باید چنین باشد. اصلاحات نه تنها درحال تغییر زندگی بیش از یک پنجم جمعیت جهان است، بلکه روند پیشرفت نیز با بقیه دنیا از جهات مختلف تغییر می‌یابد. چین در وارد برای اولین بار از زمانی که کمونیست‌ها در این کشور به قدرت رسیدند به بلیه دنیا می‌پیوندد و به تحولات سیاست‌های اقتصادی آن در داخل و خارج این کشور به موارات تغییرات مهم در سیاست‌های خارجی تکی آن برده است. بنظر می‌رسد که مگر اهداف ایندولوزیک و انقلابی سیاسی خود را در خارج راه کرده است. در ضمن در زمینه اقتصادی از سال ۱۹۸۲ به بعد بنظر می‌آید که رهبر فروردیزی که شخصیت‌محرمات بود به کارنامه شده است. هم‌اکنون چینی‌ها سعی در روابط سیاسی و نیز اقتصادی خود را با تقریباً همه کشورهای صرف نظر از ایندولوزیک و نظام سیاسی آنها، غایب کنند. اویتام استثنائی بجز است، از زمانیکه چین در سال ۱۹۸۱-۱۹۸۲، سیاست خارجی مسئله‌فعلی را برگزید، درعمل از رقابت استراتژیکی می‌بازد. قدرت دست کشیده و درحال حاضر سعی می‌کند با مسکو به دانات (تشیع زبانی) محدودیت یابد و در چین حال به بهبود روابط خود با رشتنگن ادامه دهد. در حالیکه بعضی امریکائیان مایل هستند رابطه استراتژیکی نزدیک‌تری بین چین و امریکا وجود داشته باشد. باید به این میان‌بینی‌ها و اصلاح طلب و در حال نوسازی بنیان یک عمل کلیت بخش در روابط بین‌المللی، هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح بین‌المللی، نگاه کرد. هر چند که این کشور در رقابت بین امریکه‌ها و فرانسوی‌ها به‌قدرت یافته است. چین در قرن ۲۱ - یعنی موفقی که بسیار نیرومندی خواهد بود - چه در رفتاری خواهد داشت و امریکا و چین نمی‌تواند پیش بینی کند. ولی بنظر منطقی می‌آید که انتظار داشته باشیم چین در اصلاحات و نوسازی موفقیت یابد بیشتر محتمل است. تقنین بین‌المللی معادل و امریکه‌ها ایفا کند. تا اینکه در این تلاش ناکام ماند.

باروقی‌ها و توضیحات

- (۱) - ژائو گزاش خود را در تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۸۶ در مورد فلسفه برنامه پنج ساله به اجلاس چهارم، شصتین دوره کنفرانس ملی خلق تقدیم کرد. این گزارش در نشریه «دیک ریویو»، ۲۱ آوریل ۱۹۸۶ درج شده است.
- ۲ - همان ماده.

3- China: Longterm Development Issues and Options' The World Bank and The Johns Hopkins University Press' 1985, P.21.

* «دوک پارت» نوشته این مقاله، متخصص مسائل چین است و از سال‌های دهه ۱۹۵۰ تحولات این کشور را زیر نظر داشته است. وی عضو یک گروه مطالعاتی مشواری روابط خارجی است که از سال دهه ۱۹۵۰ به مطالعه بیرونی چین مشغول بوده است. اولین کتاب وی ویرامون چین در سال ۱۹۶۰ منتشر شد. وی از آغاز یکی از طرفداران سیاست به رسمیت شناختن جمهوری خلق چین و نزدیک‌سازی ایالات متحده به آن بوده است. کتاب وی تحت عنوان «سیاست جدید امریکا در مقابل چین» که در سال ۱۹۷۱ منتشر شد، یکی از مهم‌ترین مفون توضیحی درباره سیاست تجدید روابط امریکا با چین است. وی هم‌اکنون استاد «مطالعات و تحقیقات» در باره چین در مدرسه مطالعات عالی سن‌پائول، دانشگاه جان‌هاپکینز، امریکاست. وی نویسنده کتاب‌های متعددی از جمله «اقتصاد چین در گذرنامه جهانی» و «تدوین سیاست خارجی در چین» است.

مستحضات مقاله درآخذ اصلی
A. Doak Barnett, «Ten Years After Mao», FOREIGN AFFAIRS, FALL, 1986, PP. 39-45